



## The effect of the warning rule on the responsibility of the armed forces of Iran and Lebanon

*Hamidreza Hajizadeh<sup>1</sup>, Abbas Zeraat<sup>2</sup>, Seyed Mehdi Mansouri<sup>3</sup>*

### Abstract

**Field and Aims:** The rule of caution is a jurisprudential rule, according to the narration of Imam Sadegh (AS) who said: This is significant in the use of the armed forces because any government needs the armed forces to maintain its independence, security and territorial integrity, but the use of military equipment to maintain this order and security is worthy of the framework and regulations that failure to do so leads to criminal liability. Becomes. In the meantime, the question is how the rule of caution can be effective in relieving the responsibility of the armed forces in the law of Iran and Lebanon?

**Methodology:** This article is written analytically-descriptively.

**Findings and Conclusion:** This rule applies in the field of civil liability and criminal liability and is currently accepted in international law and Iranian law of some foreign countries, including Lebanon in various fields. In public criminal law, this rule is one of the justifiable causes or factors of the crime and is subject to the title of "rule of law and legal order", but the legislators of Iran and Lebanon have not addressed the responsibility of the armed forces under the rule of warning.

**Keywords:** Warning Rule, Armed Forces, Criminal Liability, Iranian Criminal Code, Crime.

---

1. Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. Author: hr.hajizadeh110@gmail.com

2. Professors of the whole law department of Kashan University

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

## تأثیر قاعده تحذیر بر مسئولیت نیروهای مسلح ایران و لبنان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

حمیدرضا حاجی زاده<sup>۱</sup>

عباس زارعت<sup>۲</sup>

سید مهدی منصوری<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** قاعده تحذیر یک قاعده فقهی است، به روایت از امام صادق (ع) که می‌فرمایند: «قد اعد من حذر» یعنی هر کس هشدار بدهد معذور است. این امر در اعمال نیروهای مسلح قابل توجه می‌باشد زیرا هر حکومتی برای حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود نیاز به نیروی مسلح است اما بکارگیری تجهیزات نظامی در برقراری این نظم و امنیت شایسته چارچوب و مقرراتی است که عدم رعایت آن منجر به مسئولیت کیفری می‌گردد. در این میان این سوال مطرح است که قاعده تحذیر چگونه می‌تواند در رفع مسئولیت نیروهای مسلح در قانون ایران و لبنان موثر باشد؟

**روش‌شناسی:** این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** این قاعده در حوزه مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری اعمال می‌گردد و در حال حاضر در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران برخی کشورهای خارجی از جمله لبنان در حوزه‌های مختلف پذیرفته شده است. این قاعده در حقوق جزای عمومی از علل یا عوامل موجهه جرم و مشمول عنوان «حکم قانون و امر آمر قانونی» می‌باشد ولی قانونگذار ایران و لبنان به مسئولیت نیروهای مسلح ذیل مبحث قاعده تحذیر و چگونگی رفع مسئولیت ناشی از آن نپرداخته است.

**واژگان کلیدی:** قاعده تحذیر، نیروهای مسلح، مسئولیت کیفری، قانون کیفری ایران، جرم

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران نویسنده مسئول.

hr.hajizadeh110@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق دانشگاه کاشان

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.



مقدمه

یکی از قواعد بسیار بارز و کاربردی در گستره فقه و حقوق که نقش شایانی در رفع مسئولیت دارد، هشدار و تحذیر است. به موجب آن، هر کس پیش از انجام کار زیان آور، هشدار و آگاهی بایسته جهت گریز از منطقه خطر را بدهد، در صورت بی توجهی هشدار گیرنده و ورود زیان به وی، هشدار دهنده معاف از مسئولیت خواهد بود. منابع و مستندات حجیت قاعده هشدار عبارتند از: کتاب، سنت، شهرت و بنای عقلاء و عرف که برجسته ترین مستند آن روایت صحیح ابوالصلاح کنانی از امام صادق (ع) است. (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۶۹)

در خصوص دامنه شمول قاعده این اتفاق نظر وجود دارد که دامنه هم مسئولیت مدنی را در بر می گیرد و در بر گیرنده مسئولیت کیفری می باشد. با توجه به اینکه هشدار در واقع یکی از مسقطات ضمان و تعهد می باشد لذا تعهد از نظر قراردادی و غیر قراردادی را شامل می شود. در این خصوص آنچه اهمیت دارد عملکرد نیروهای مسلح خصوصا در نحوه بکارگیری سلاح می باشد. با توجه به ویژگی آسیب زندگی سلاح و برخی تجهیزات نظامی مانند گاز اشک آور که در اغتشاشات کاربرد فراوان دارد لذا لازم است تا نحوه اعمال آنها قاعده مند گردد و در صورت عدم هشدار و بکارگیری آنها علیه جمعیت غیر نظامی، مرتکب دارای مسئولیت باشد. نظم و امنیت از جمله مقوله هایی هستند که وجود آنها لازمه ادامه حیات هر حکومتی می باشد و از جمله اهداف اصلی هر حکومتی استقرار نظم و امنیت و حاکمیت قانون در جامعه به منظور پاسداری از هنجارهای اجتماعی و تأمین آسایش فردی و عمومی افراد جامعه می باشد. این امر از طریق نیروهای مسلح تأمین می شود که شامل پلیس و نیروهای نظامی می باشند. بدیهی است که پلیس و سایر نیروهای مسلح که به موجب قانون اجازه حمل و استفاده از اسلحه را دارند برای به کارگیری اسلحه تابع مقررات و شرایطی هستند که در صورت عدم رعایت آنها دارای مسئولیت مدنی و کیفری می شوند و در دادگاهها و مراجع ذی صلاح قابل تعقیب هستند. (رحیمی، ۱۳۹۴، ۲)

بر این اساس به دنبال بررسی این موضوع هستیم که قاعده تحذیر چگونه می تواند در رفع مسئولیت نیروهای مسلح موثر باشد؟ برای این منظور ضمن مطالعه ماهیت و مفهوم قاعده تحذیر جایگاه آن را در دو قانون ایران و لبنان در خصوص نیروهای مسلح خصوصا بکارگیری



سلاح مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا از این منظر به درک بهتری از اعمال این قاعده در رفتار و عملکرد نیروهای مسلح نائل آییم. روش تحقیق استفاده شده در این مقاله، روش تحلیلی-توصیفی است و منابع مورد استفاده عبارتند از: جمع آوری داده‌ها، استفاده از کتب، اسناد بین‌المللی، مقالات و همچنین از فیش برداری بعنوان ابزار مطالعه استفاده شده است.

## ۱- ادبیات تحقیق

پیش از ورود به بحث لازم است تا پیرامون دو مفهوم قاعده تحذیر و نیروهای مسلح مطالبی را بیان نماییم تا در شناخت بهتر موضوع کمک نماید.

### ۱-۱- قاعده تحذیر

تحذیر در لغت به معنای اخطار، هشیار نمودن، خبر کردن و متوجه ساختن است، یعنی فردی با خبر دادن و اخطار به دیگران، آنان را متوجه وضعیت حادثه ای کند تا خود را از معرض آن رها ساخته و دچار زیان و خسارت نشوند، قاعده «تحذیر» برگرفته از حدیث «قد اعذر من حذر» است این روایت منسوب به امام صادق (ع) است که ایشان آن را از حضرت علی (ع) نقل کرده‌اند. مفاد قاعده تحذیر این است هر کس قبل از اقدام به هرگونه عملیات خطرناک و خطر ساز، به سایرین هشدار و آگاهی لازم را به منظور گریز از خطر و حفظ جان و مال ایشان بدهد. در صورت بی توجهی و بی مبالاتی مخاطب به هشدار مزبور و وقوع حادثه یا خسارت، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. بنابراین اگر مخاطب به هشدارهای صادر شده توجهی نکند، هشدار دهنده مسئولیتی در قبال خسارتهای وارده نخواهد داشت. همچنین فقها امامیه نیز با استناد به روایت فوق معتقد به رفع مسئولیت هشدار دهنده هستند. (صالحی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۲)

برای تعیین نمود قاعده تحذیر در قوانین و مقررات لازم است توضیح مختصری درباره انواع هشدار داده شود. هشدار دیداری، هشدار است که با علائم، تابلوها و ... قابل رویت باشد و با مشاهده آن مخاطب متوجه خطر بالقوه یا بالفعل گردد. هشدار شنیداری، هشدار است که انسان با حس شنوایی خود آن را درک می‌کند و در قالب صوت و گفتار عرضه می‌شود.



گاهی هشدار دادن از طریق انجام فعل و رفتار صورت می‌گیرد مانند اینکه شخصی، فرد در حال خطر را از صحنه خطر دور کند این نوع هشدار، هشدار در رفتار یا عملی است غیر از حدیث بیان شده در حکمیت حضرت علی (ع) نیز ملاحظه می‌گردد که آمده «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن محمد بن الفضیل، عن اَبی الصَّبَّاحِ الْکَتَّانِی، عن اَبی عبد الله (ع) قال: کان صبیان فی زمن علی (ع) یَلْعَبُونَ بِأَخْطَارِهِمْ فَرَمَى أَحَدُهُمْ [الآخر] بِأَخْطَرِهِ فَدَقَّ رِباعِیَّهَ صَاحِبِهِ فَرَفَعَ ذَلِکَ الی اَمیرِ الْمُؤْمِنِینَ (ع) فَأَقَامَ الرِّامِیَ البَیِّنَهَ بَأَنَّهُ قال: حَذارِ حَذارِ فَدَرَأَ عَنه القِصاصَ، ثمَّ قال: قَدَ أَعَدَرَ مَن حَذَرَ؛ ...»

و مفهوم کلی قاعده این است که اگر کسی قبل از انجام هر کار مشروع و مخاطره آمیز هشدار لازم و مؤثر را بدهد بصورتی که هشدار گیرنده به رغم متوجه شدن و توانایی فرار از منطقه خطر، دور نشود و یا به هشدار توجه نکند و در اثر رفتار هشدار دهنده، صدمه یا جنایتی به شخص وارد شود مسئولیتی متوجه هشدار دهنده نیست.

## ۱-۲- نیروهای مسلح

کارکنان نیروهای مسلح به مجموعه قوای منظم نظامی اطلاق می‌شود که برای دفاع از سرزمین در مقابل بیگانگان یا مقابله با آشوب‌های داخلی و حفظ منافع ملی تشکیل می‌شوند. هر حکومتی برای حفظ استقلال و امنیت و تمامیت ارضی خود نیاز به نیروهای مسلح قوی، مقتدر و سازمان یافته دارد (ابادری فومنشی، ۱۳۹۲، ۸۱۶).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و بسیج، وظیفه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور را از طرق نظامی و غیرنظامی در مرزها و داخل و تحت شرایطی خارج از مرزها، بر عهده دارند. بر این اساس این نهادهای دفاعی کشور با سرمایه عظیم انسانی و تجهیزاتی خود، می‌توانند در تشکیل و صیانت از حدود دولت مبتنی بر حکومت اسلامی ایران نقش به‌سزایی داشته باشند. (پیراسته، ۱۳۹۶، ۲)

بر مبنای آئین نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیروهای مسلح «به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته، اطلاق می‌شود.»



مطابق ماده (۲) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی.»  
در تبصره این ماده نیز آمده است «نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران به ژاندارمری، شهربانی و کمیته انقلاب اسلامی ایران اطلاق می‌گردد.»  
در ماده (۳) همان قانون نیز در خصوص ارتش آمده است «ارتش جمهوری اسلامی ایران به مجموعه ستاد مشترک، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و سازمانهای وابسته به آنها اطلاق می‌گردد.»

در ماده (۴) نیز پیرامون وزارت دفاع آمده «وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران بخشی از دولت است که مسئولیت پشتیبانی ارتش را به عهده دارد.»  
در ماده (۱) اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز آمده است «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد.» همچنین مطابق ماده (۳۵) قانون فوق بسیج نیز به عنوان نیروی مسلح و زیر مجموعه سپاه پاسداران تعریف شده است. در این ماده آمده «هدف از تشکیل واحد بسیج مستضعفین ایجاد توانایی‌های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور بدفاع از کشور، نظام جمهوری اسلامی و همچنین کمک به مردم هنگام بروز بلا یا و حوادث غیر مترقبه با هماهنگی مراجع ذی ربط می‌باشد.»

## ۲- پیشینه تحقیق

پیش از آنکه تاثیر قاعده تحذیر بر مسئولیت نیروهای مسلح را مورد مطالعه قرار دهیم لازم است تا پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته را مورد مطالعه قرار دهیم تا ضمن تبیین بهتر موضوع و جنبه‌های نوآورانه آن، زمینه برای ورود به بحث فراهم شود.

۱-۲- ابراهیم زاده، مهدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی قاعده هشدار (تحذیر)



در مسئولیت مدنی» به این امر پرداخته است که قاعده تحذیر یا هشدار یکی از قواعد بسیار مهم و پر کاربرد در قلمرو فقه و حقوق می باشد که به موجب این قاعده هر کس قبل از اقدام به هر عملیات خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود و در صورت بی توجهی هشدار گیرنده و ورود خسارت به وی، هشدار دهنده معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. مقاله حاضر برگرفته از کتب و مقالات محققین پیشین بوده و هدف اصلی محقق در این مقاله مروری است بر قاعده ی هشدار (تحذیر) در فقه و نقش آن در رفع مسئولیت مدنی، برای اشخاص اهل پژوهش می باشد. به موجب قاعده هشدار هر کس قبل از اقدام به عملیات خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد (در صورت وجود شرایط لازم) معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. مبنای قاعده ی تحذیر در فقه روایت معروفی است که از امام صادق (ع) نقل گردیده و در آن عبارت معروف حضرت علی (ع) «قد أَعَدَرَ مَنْ حَدَّرَ» آمده است که از نظر محتوا و دلالت و همچنین در جهت سند و مدرک نیز قوی و خالی از ضعف است.

۲-۲- رجبی پور میبیدی، ابوالفضل (۱۳۹۴) در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خود را با موضوع «قاعده تحذیر و مسئولیت پلیس» ضمن تبیین قاعده مزبور صرفاً به نقش کمی و کیفی آن در رفع مسئولیت پلیس پرداخته است و سایر قوانین و مقررات بررسی نشده است لذا ضمن تأکید بر مفید بودن تمامی آثار، از این جهت که هر کدام از پژوهش های انجام شده یا به صورت مختصر به قاعده نظر داشته یا به صورت مصداقی به ارتباط آن با مسئولیت کیفری پرداخته است می تواند به عنای مطالب پژوهش حاضر بیفزاید.

۳-۲- صباح مشهدی، حمید (۱۳۸۱) در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی فقهی حقوقی قاعده تحذیر با رویکردی به نظرات حضرت امام خمینی (ره)» در پژوهشکده امام خمینی (ره) انتخاب نموده است که پژوهش ایشان بر مبنای نظرات حضرت امام خمینی (ره) انتخاب و موضوع نیز بر همین اساس تبیین شده است.

۴-۲- اکبری، پرویز و عربیان، اصغر (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی دامنه قاعده تحذیر (هشدار) در حقوق موضوعه» به این موضوع پرداخته است که قاعده فقهی هشدار یکی از قواعد کاربردی است که در واقع متخذ از روایت امام صادق (ع) در یکی از قضاوتهای



امام علی (ع) است و با مذاقه و تحقیق مبرهن است که این قاعده مختص فقه شیعه و از مبدعات فقه پویای امامیه است مع الوصف در این مقاله آشکار شد که قاعده هشدار در اغلب مصادیق حقوق اعم از حقوق داخلی و خارجی و بین‌المللی کاربرد دارد و همچنین در انواع مسئولیتها مانند مسئولیت مدنی و کیفری و اداری و انتظامی و ... و در انواع تعهدات اعم از اخلاقی و قراردادی و خارج از قرارداد واجد کاربرد می‌باشد و اگرچه در برخی از انواع حقوق مانند حقوق خارجی و بین‌المللی قاعده هشدار با شکل و شمایلی که در فقه امامیه بدان پرداخته و تعریف شده نمود ندارد و لکن آثاری که بر عدم توجه به هشدار مترتب است را میتوان در قاعده هشدار پیدا کرد. لذا متخصصین در هر یک حوزه‌های حقوق یادشده می‌توانند به بررسی قاعده به صورت جزئی و ناظر به موضوع تخصص خودشان بپردازند.

### ۳- اثر قاعده تحذیر بر مسئولیت نیروهای مسلح ایران

پیش از ورود به بحث جایگاه قاعده تحذیر بر مسئولیت نیروهای مسلح لازم است تا بدواً مبانی مسئولیت نیروهای مسلح را بررسی نماییم.

#### ۳-۱- مبانی مسئولیت نیروهای مسلح

با نگاه اجمالی در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، می‌توان گفت که قانونگذار در بسیاری از موارد به قاعده هشدار توجه داشته است. اگرچه در قدیم و حقوق روم، فرقی میان مسئولیت مدنی و کیفری وجود نداشت. مجازات کسی که جرمی مرتکب میشد در بسیاری از جرایم پرداختن خسارت به قربانی خود بود، همچنان که در حقوق اسلام دیده چنین نقشی را ایفا می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۵)

در دعاوی که کسی سبب صدمه جانی یا ورود خسارت می‌گردد موضوع هشدار و چگونگی رعایت شرایط آن حسب مورد می‌تواند باعث سقوط مجازات و مسئولیت مدنی یا برعکس انتساب اتهام به متهم گردد. خصوصاً در اقدامات نیروهای مسلح و البته این صدمات و خسارتها ممکن است مبنایی متعددی داشته باشد.

مطابق نظریه تقصیر، رابطه علیت عرفی بین کار شخص و تلف مال برای احراز مسئولیت





وی کافی است. اما قانون گذار در ماده (۱) ق.م.م، مسئولیت مدنی را بر مبنای تقصیر نهاده که به موجب آن ورود ضرر به دیگری باید در نتیجه عمد یا بی احتیاطی صورت گیرد (شعاریان و جباری، ۱۳۸۹، ۲۸).

لذا براساس این نظریه، کارکنان نیروهای مسلح، زمانی مسئول قلمداد می‌شوند و باید ضرر وارده را جبران کنند و خسارت بپردازند که مرتکب تقصیر شده باشند. ملاک تقصیر هم عبارت است از انجام فعل یا ترک فعل یعنی کاری که انجام شده و نباید انجام می‌شد یا کاری که باید انجام شود و انجام نشده است. (نوبین، ۱۳۹۲، ۳۶۷)

مطابق نظریه مسئولیت بدون تقصیر، تقصیر به عنوان تنها منشأ مسئولیت چارچوب تنگی است که قابلیت جبران همه خسارات زیان دیدگان را ندارد. آنها مسئولیت ناشی از خسارت وارده را عینی کرده و مالک را تنها در شرایط قوه قاهره، معاف از مسئولیت دانسته‌اند. آنچه در این زمینه شایان توجه است، انتساب ضرر به بار آمده به فعالیت کارکنان است نه تقصیر آنها. زیان دیده کافی است ثابت کند که ضرر به او وارد شده است و این ضرر ناشی از فعل کارکنان است (کاتوزیان، منبع پیشین، ۳۵)

در خصوص مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح باید پذیرفت که این کارکنان از اقداماتی که انجام می‌دهند، منفعت مستقیمی عاید آنها نمی‌شود، لذا شاید بتوان در برخی از اقدامات زیانبار به این نظریه استناد کرد (باریکلو، ۱۳۹۶، ۱۲) به نظر می‌رسد که در مسئولیت کارکنان نیروهای مسلح و مخصوصاً مأموریت‌های پر حادثه و خطرناک، مبارزه با معاندین و اشرار و غیره بتوان به این نوع نظریه استناد کرد. (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ۳۶)

همچنین به موجب نظریه تضمین حق به موجب این نظریه، همه کارکنان وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام بگذارند و ایمنی دیگران را به خطر نیاندازند. همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف کننده آن جبران شود. (کاتوزیان، منبع پیشین، ۴۷)

با عنایت به سه نظریه مذکور، چنین به نظر می‌رسد که نظریه تقصیر در خصوص کارکنان نیروهای مسلح صدق کرده و تقصیر نیز به تجاوز از رفتار کارکنان محتاط و آگاه یا رفتار کارکنان متعارف، تجاوز از تکلیف قابل شناسایی و مراعات، تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است، اطلاق می‌شود (همان، ۱۷)



### ۳-۲- رفع مسئولیت به استناد قاعده تحذیر

در مستند اصلی قاعده هشدار یعنی روایت امام صادق (ع) از واژگان قصاص، دیه، ضمان استفاده شده است که با توجه به اطلاق روایت میتوان قاعده هشدار را در رفع مسئولیت مدنی و کیفری مورد استفاده قرار داد. (اکبری و عربیان، ۱۳۹۹، ۲۰)

### ۳-۲-۱- در افعال زیانبار کارکنان نیروهای مسلح

مطابق ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری تعریف شده و در ماده (۲۹) همین قانون ضابطان دادگستری شامل: «الف - ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. ب - ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند؛ از قبیل روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت، اطلاعات سازمان اطلاعات سپاه و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می شوند. با توجه به تبصره این ماده کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسوولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسوولیت نافی مسوولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.» هر عملی که از طریق کارکنان موجب ورود خسارت به دیگری شود، سبب ایجاد مسوولیت مدنی نخواهد بود، بلکه عمل موجب خسارت باید نامشروع باشد. برای مسئول بودن کارکنان مذکور در برابر دیگران، آن عمل باید نامشروع باشد یا باید توسط مأموران اقدام ناروایی صورت گرفته یا در هر حال، فعل رخ داده می بایست مسبوق به حکم قانون گذار باشد.

هر چند در مسوولیت های مطلق که مبتنی بر نظریه خطر است، تقصیر نقشی ندارد یا در مسوولیت های نوعی که تقصیر یا مسوولیت مفروض است، برای تحمیل مسوولیت به دنبال اثبات تقصیر نیستیم، اما هنوز هم شناسایی تقصیر در مسوولیت مدنی، نقش مهمی را ایفا می کند و معمولاً در انجام عمل زیانبار این کارکنان از تقصیر نام برده می شود. (ایراندخت،



۱۳۹۵، ۷) بدیهی است هر جا سخن از تقصیر است و فعل زیانبار با این معیار مورد سنجش قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان به نامشروع یا خلاف قانون بودن فعل زیانبار تکیه کرد و در هیچ یکی از قوانین و مقررات، مسئولیت بدون تقصیر برای شخص مأموران در نظر گرفته نشده است (بادینی، ۱۳۸۴، ۱۲)

با در نظر گرفتن اینکه مبنای مسئولیت مدنی کارکنان بر تقصیر استوار است، در هر مورد که از اقدامات مأمور خسارتی به اشخاص وارد می‌شود، تقصیر باید احراز شود که در این خصوص، شناسایی تقصیر اصولاً بایستی بر مبنای ضوابط حرفه‌ای و شغلی صورت پذیرد؛ زیرا انتظار می‌رود مأموران، علاوه بر رعایت امور متعارف، از ضوابط حرفه‌ای و شغلی نیز تخطی نکنند. در همه این موارد، دادگاه می‌تواند با ارجاع قضیه به کارشناس و متخصص، تقصیر مأمور را احراز کند که بدیهی است با مسلم بودن تقصیر، رابطه سببیت عرفی نیز به سهولت قابل احراز خواهد بود (شعاریان و جباری، منبع پیشین، ۱۰)

همچنین ممکن است اقدامات صورت گرفته ناشی از حیوانات تحت کنترل کارکنان نیروهای مسلح باشد. کارکنان نیروهای مسلح خصوصاً مأموران نیروی انتظامی در بخشهایی از سگ استفاده می‌نمایند. این سگها معمولاً برای یافتن مواد مخدر استفاده می‌شوند. از سوی دیگر سگ‌های ضد اغتشاش نیز در یگان ویژه وجود دارد که با توجه به آموزش‌های تخصصی که دیده است و همچنین با توجه به قابلیت‌های بدنی و انعطاف‌پذیری مناسب، می‌تواند به‌عنوان یک عامل روانی در انواع جمعیت‌ها برای ایجاد رعب و وحشت و پراکندگی جمعیت نقش بسزایی داشته باشد. در این خصوص در هر مورد که پلیس اقدام غیر مجاز یا توأم با خطایی انجام دهد و اقدام مذکور موجب خسارت به اشخاصی که خود در ایجاد حادثه دخالت مؤثری نداشته‌اند، شود، عهده دار جبران خسارت خواهد بود. اما با وجود جلیقه‌های مخصوص که بر تن سگها پوشانده می‌شود و داشتن قلاده‌ای که در دست پلیس است و اعلان هشدار به اغتشاش‌گران در آشوب‌های خیابانی و یا افراد مظنون به حمل مواد مخدر که باید مورد بازرسی قرار گیرند، مسئولیتی در قبال خسارت وارده نخواهند داشت. همچنین با توجه به اینکه ضابطان دادگستری تحت نظر دادستان اقدامات لازم را انجام می‌دهند در صورت ورود ضرر، مسئول جبران خسارت هستند اما رعایت قاعده تحذیر می‌تواند در رفع



مسئولیت این اشخاص موثر باشد. هشدار نسبت به اقداماتی که می‌تواند باعث ورود خسارت شود با وجود قاعده تحذیر و هشدار قبلی در رفع مسئولیت قابل توجیه است. یکی از حوادث شایع در اجرای مأموریت‌های پلیسی، حادثه ناشی از تعقیب و گریز است. در اینگونه حوادث اگر مأمور مجاز به تعقیب باشد و پس از اخطارهای لازم اقدام به چنین امری نماید و به هر دلیل منجر به خسارت به فرد تحت تعقیب شود، مسئول نخواهد بود. به عنوان مثال، وسیله نقلیه شخص تحت تعقیب به علت شتابزدگی، واژگون شود یا آن شخص در حال فرار به علت پریدن از دیواری آسیب ببیند. (عباسلو، ۱۳۸۹، ۹۳)

آئین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۸ با عنوان «مقررات رانندگی» در هشت بخش از مواد ۵۵ تا ۱۱۷ چگونگی رعایت علائم راهنمایی و رانندگی و اجرای مقررات رانندگی را تشریح کرده است و در بردارنده هشدارهای دیداری به عنوان یکی از نمودهای قاعده است که عدم رعایت هر کدام از آنها می‌تواند منجر به بروز حادثه و تحقق آثار قاعده مبنی بر ایجاد مسئولیت برای متخلف گردد.

### ۳-۲-۲- تاثیر قاعده تحذیر بر نحوه بکارگیری سلاح

بی شک نظام حقوق کیفری ایران که از اصول و قواعد مسلم حقوقی تبعیت می‌کند قواعد فقهی حقوقی را با توسل به عقل و نقل مبنای سیاست جنایی تقنینی قرار داده است و از این رهگذر، قاعده تحذیر به عنوان یک قاعده پر کاربرد در قوانین و مقررات کیفری جای خود را باز کرده و ضمن قبول رفع مسئولیت از هشدار دهنده‌ای که شرایط هشدار را رعایت کند علیرغم عدم تاکید مقنن حسب مورد به عنوان حکم قانون و امر قانونی قلمداد می‌شود.<sup>۱</sup> در مقررات مربوط به نیروهای مسلح نحوه بکارگیری از سلاح قاعده مند گردیده و در صورت رعایت این مقررات به فرض آسیب رسیدن به افراد به دلیل تیراندازی، رami مسئولیت

۱. وسایل نقلیه» در ماده ۶ اعم از وسایل نقلیه موتوری و غیرموتوری و شامل وسایل نقلیه زمینی، هوایی و دریایی است. در نظریه مشورتی مورخ ۱۳۷۶/۶/۶ اداره حقوقی قوه قضائیه، چهارپایان از وسایل نقلیه موضوع ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح قلمداد شده است زیرا حمل مواد مخدر و کالای قاچاق به وسیله چهارپایان باعث گسترش این نوع جرایم می‌شود، بنابراین با تحقق سایر شرایط مندرج در قانون مربوطه تیراندازی مأمورین به آنها فاقد اشکال قانونی است.



نخواهد داشت. این موارد ممکن است در خلال انجام یک مأموریت باشد و یا در خلال انجام آموزش نظامی که اعمال قاعده تحذیر در هر دو مورد در رفع مسئولیت آنها به دلیل زیان ناشی از تیراندازی موثر است.

در ماده (۱۷۱) آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز آمده است «در هنگام شورش محکومان یا متهمان، کارکنان مؤسسه‌ها و زندان‌ها نهایت تلاش خود را در برقراری آرامش و جلوگیری از بروز خونریزی یا ایراد خسارت به افراد و اموال خواهند نمود و در صورت لزوم از مقام‌های انتظامی محل استمداد نموده، جلوی گسترش شورش را می‌گیرند و متخلفان را حسب مورد به دستگاه قضایی و شورای انضباطی، مؤسسه یا زندان معرفی خواهند کرد.»

مطابق آئین نامه اجرایی تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰ مأموران ذیربط در صورت مشاهده فرار بازداشتی یا زندانی موظفند به ترتیب زیر اقدام کنند. الف- با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نمایند. ب- با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند. ج- با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد، اقدام به شلیک تیر هوائی تیر نمایند. د- در صورت عدم تأثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پائین مورد هدف قرار دهند.

بر اسای تبصره (۱) این ماده تیراندازی از ناحیه کمر به بالا در صورتی مجاز است که مراحل فوق رعایت گردیده و یا اجرای آنها ممکن نباشد. همچنین در تبصره (۲) نیز آمده است «در صورتی که فرار با استفاده از وسایل نقلیه انجام گیرد، مأموران موظفند برابر ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری- مصوب ۱۳۷۳- اقدام نمایند.»

مطابق ماده (۵) آیین نامه اجرایی تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری در کلیه مواردی که مأمور یا مأموران مسلح در اجرای مأموریت خود اقدام به تیراندازی نموده و منجر به قتل یا جرح شده باشد اعم از اینکه شکایت از طریق یگان مربوط و یا شاکی خصوصی مطرح گردد، سازمان مربوط موظف است



همراه با گزارش جامع خود در خصوص اقدامات مأمور یا مأموران عمل کننده نظریه هیأت کارشناسی مرکب از نمایندگان حفاظت اطلاعات، بازرسی، حقوقی و یگان مربوط را اخذ و به مرجع قضائی رسیدگی کننده ارسال نماید. هیأت مزبور مکلف است با بررسی دقیق موضوع، نظریه خود را مبنی بر انطباق یا عدم انطباق اقدام مأمور یا مأموران در به کارگیری سلاح با مقررات مربوط اعلام نمایند.

بدیهی است چنانچه در تیر اندازی توسط مأموران نیروهای مسلح شرایط پیش بینی شده در آیین نامه اجرایی مربوطه رعایت گردد مسئولیت هشدار دهنده زایل می شود. همچنین لازم به ذکر است اولاً در قانون و آئین نامه مذکور تذکر «ایست» و شلیک تیر هوایی بعنوان قسمتی از هشدار مؤثر استفاده می شود و در نهایت چنانچه مخاطب به تذکرات توجهی نکند مطابق تبصره ۳ ماده ۳ و مواد ۴ و ۷ این قانون و بند «د» ماده ۲ آئین نامه تبصره بند ۵ ماده ۳ مأمور اقدام به تیر اندازی به شخص از ناحیه کمر به پائین می نماید. ثانیاً مستفاد از تبصره ۱ ماده ۶ قانون مار الذکر در ایستگاههای ایست بازرسی حتماً باید موانع، تابلو و چراغ گردان وجود داشته باشد تا در صورت عدم توجه به این هشدارها و عدم توقف، هشدار شنیداری اعلام و سپس تیر اندازی از ناحیه کمر به پائین انجام شود.

در بند (ب) ماده (۴) قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، در خصوص آشوبها و اغتشاشات آمده است که قبل از بکارگیری سلاح با اخلاطگران و شورشیان نسبت به بکارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد. این امر بیانگر اعلان هشدار قبل از استفاده از سلاح و تجهیزات نظامی مانند گاز اشک آور می باشد.

در ماده (۶) قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری نیز پیرامون تیر اندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأمورین شرایطی<sup>۱</sup> را بیان می دارد که با حصول این شرایط امکان بکارگیری سلاح فراهم می شود. در این ماده به هشدارهای شنیداری و دیداری اشاره شده و در تبصره (۱) و (۲) این ماده مقرر می دارد: «مأمورین مذکور موظفند که در ایستگاههای ایست و بازرسی وسایل هشدار

۱. الف - در صورتی که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد. ب - در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به مأمورین و یا مردم استفاده شده باشد



دهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند.» و «مأمورین مذکور در صورتی می‌توانند به وسائل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.» لذا اگرچه در ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، تمامی انواع هشدار شامل شنیداری، دیداری و عملی و در مقرراتی مانند، آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۸ و ۵۱ آئین نامه راهنمایی و رانندگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران هشدار شنیداری و دیداری، بصورت یکجا استفاده می‌شوند ولی در تمام موارد، نقش مهم و محوری هشدار شنیداری به عنوان یکی از نمودهای قاعده غیرقابل انکار است.

اعمال قاعده تحذیر به رفع مسئولیت آنها منجر شده و لذا ماده ۱۲ قانون مقرر می‌دارد: «مأمورینی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به بکارگیری سلاح نمایند. از این جهت هیچ گونه مسئولیت جزائی یا مدنی نخواهند داشت. همچنین ماده (۱۳) نیز مقرر می‌دارد: «در صورتی که مأمورین با رعایت مقررات این قانون سلاح بکار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوط خواهد بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد.»

درباره تیراندازی با هشدار قبلی موضوع تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و سایر مصوبات مربوطه مانند قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ و آئین نامه‌های مربوطه و چگونگی تطبیق این موارد با علل و عوامل توجیه کننده یا اسباب اباحه جرم و معاذیر معاف کننده از مجازات، دیدگاهی وجود دارد که بیان می‌کند: «عدم مسئولیت تیرانداز پرداخت دیه یا قصاص براساس قاعده فقهی «قد اعدر من حذر» می‌باشد. این که تیرانداز از مجازات و پرداخت دیه معاف باشد، از معاذیر معاف کننده است یا علل توجیه کننده و اباحه جرم، ظاهر قانون از معاذیر معاف کننده حکایت دارد، لکن به نظر می‌رسد با توجه به مجوز قانونی و حکم قانون از علل توجیه کننده باشد.» (مالمیر، ۱۳۹۱، ۹۷)



بر این اساس باید گفت که حکم قانون مستقیماً متوجه شخص مجری قانون یا مأمور اجرای قانون باشد که عمل به ظاهر مجرمانه آن شخص یا مأمور، بنا به حکم و اجازه قانون توجیه می‌شود، مثلاً مأموران پلیس در جرایم مشهود که به استناد پیش از مداخله دادستان یا باز پرس برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم و جلوگیری از فرار و اختفای متهم اقدام می‌کنند و اقدام آنان که موجب سلب حقوق و آزادی و تصرف در اموال دیگران می‌شود، جرم نیست. در این موارد حکم قانون که مخاطب مستقیم آن مأمور است، به تنهایی سبب اباحه عمل ارتكابی می‌شود و یا مثلاً مأموران پلیس طبق بندهای ده گانه ماده ۳ و بندهای دو گانه ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح، حق بکارگیری سلاح را دارند. یعنی علیرغم اینکه کشتن دیگری یا ایراد ضرب و جرح عمدی دیگری جرم است ولی به حکم و اجازه قانون در این موارد با شرایط مقرر عمل مأموران پلیس جرم محسوب نمی‌شود. ولی در مواردی که حکم و اجازه قانون مستقیماً متوجه مأمور مجری حکم نیست، بلکه خطاب قانون نسبت به مافوق اعم از فرماندهان یا مقامات قضایی است، در آن موارد عمل به ظاهر مجرمانه مأموران پلیس تنها تحت عنوان اوامر قانونی توجیه می‌شود، مثلاً ماده ۴ و ۵ قانون بکارگیری سلاح در مورد فرونشاندن شورش‌های غیر مسلحانه یا شورش‌های مسلحانه، باید با دستور فرمانده عملیات باشد.

### ۳-۲-۳- در آموزش نیروهای مسلح

یکی از وظایف نیروهای مسلح دادن آموزش نظامی به نیروهای کادر و سربازان تحت امر خود است. همچنین در ماده (۹) اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز برنامه‌ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزش‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضاء بسیج مستضعفین بر طبق موازین اسلامی را به عنوان مأموریت این نهاد تعریف کرده و بر این اساس در بند (ب) ماده (۱۵) همین قانون ضمن تعریف واحد آموزش نظامی، انجام این امر را به عهده واحد نهاده است.

همچنین در بند (ز) ماده (۷) قانون ارتش جمهوری اسلامی به مأموریت این نهاد در آماده نمودن مردم برای دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی در چهار چوب قانون خدمت وظیفه عمومی اشاره نموده که نشان از تکلیف به انجام آموزش نظامی در این ارگانها





دارد. با توجه به اینکه انجام این آموزش‌ها با بکارگیری تجهیزات نظامی همراه است لذا انجام هشدارهای لازم در مکانهایی که این آموزش‌ها انجام می‌گیرد مانند پادگانها الزامی می‌باشد. بر این اساس اگر شخص هنگام عبور از میدان تیراندازی همراه خود بچه غیرممیزی را ببرد و آن بچه مورد اصابت قرار گیرد، رami ضامن نیست، بلکه کسی که بچه را به میدان آورده ضامن است؛ چون او بچه را در معرض تلف قرار داده است؛ به طوری که می‌توان گفت بچه بالمباشره مورد تلف قرار گرفته است؛ درست مانند کسی که شخص دیگری را در چاه می‌اندازد. مرحوم محقق در اینکه ضمان به عهده کسی که بچه را به میدان تیر آورده است باشد، تردید دارد. این تردید موافق قواعد است و بر همین اساس فخرالمحققین فرموده است که در این مورد ضمان به عهده عاقله است. صاحب جواهر این فرع را از مصادیق مباشرت و تسبیب در قتل دانسته، مباشر را مقدم در مسئولیت می‌داند. بنابراین، ایشان آورنده بچه را به میدان تیر، مسئول و ضامن میدانند. (ابراهیم زاده، ۱۳۹۸، ۲۱۸)

اگر بچه غیرممیزی در میدان تیر آمد و مورد هدف قرار گرفته، ضمان به عهده رami است چه «حذار» گفته باشد و چه نگفته باشد؛ زیرا به تعبیر فاضل هندی در کشفاللثام، بچه غیرممیز حذار را نمی‌فهمد تا اگر حذار و هشدار داده شد، ضمان از عهده رami برداشته شود. (محقق داماد، ۱۳۹۳، ۲۴۶-۲۴۷)

لازم به ذکر است رافع مسئولیت کیفری بودن قاعده تحذیر منافاتی با رفع مسئولیت اداری، انتظامی یا انضباطی ندارد اگرچه حقوقدانان جزاً نوعاً قائل به این موضوع هستند که محکومیت کیفری تلازمی با محکومیت اداری ندارد ولی همانطور که تشریح شد قاعده تحذیر به عنوان یک قاعده فقهی حقوقی، حکم فقهی عام و کلی را مطرح می‌کند که به موضوع یا مورد جزئی اختصاص ندارد و در تمامی ابواب فقهی - حقوقی جاری است. پس آثار آن نیز باید علاوه بر مسئولیت کیفری ناظر بر مسئولیت اداری، انتظامی یا انضباطی باشد. بنای مسئولیت اداری، مشروعیت اداری است در صورتی که اقدامات و تصمیمات اداری مشروعیت به معنای عام نداشته باشد مستخدمی که مرتکب چنین اعمال و رفتاری شده مسئول خواهد بود و می‌توان به لحاظ نوع عمل خلاف قانون که اداری است و آثار اداری دارد این مسئولیت را اداری نامید.



با توضیحاتی که برای علل یا عوامل توجیه کننده جرم و علل رافع مسئولیت کیفری و معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات بیان کردیم، شکی نیست که تیراندازی با هشدار قبلی از علل رافع مسئولیت کیفری قلمداد نمیشود و با آن مطابقت ندارد و از بین معاذیر قانونی معاف کننده و علل توجیه کننده جرم، این مقوله بیش از هر چیز با علل یا عوامل توجیه کننده یا اسباب اباحه جرم مطابقت دارد زیرا: اولاً: یکی از مصادیق علل موجهه جرم که با موضوع مورد بحث رابطه دارد در ماده ۱۵۸ ق.م.ا مصوب ۹۲ بدین شرح پیش بینی شده است: «ماده ۱۵۸- علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست...ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد...»

ثانیاً: نتایج تیراندازی با هشدار قبلی با نتایج علل توجیه کننده جرم همخوانی دارد مانند عدم مسئولیت مطلق تیرانداز و ...

ثالثاً: واژه «معاف» در عبارت تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که مقرر می دارد: «چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و ...» نباید باعث تقویت این عقیده شود که بنا بر ظاهر قانون، تیراندازی مأمورین با هشدار قبلی و قاعده «تذخیر» از مصادیق معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات است، زیرا اگر چنین بود ضرورت داشت در معاذیر قانونی معافیت از مجازات پیش بینی شده در ق.م.ا مصوب ۹۲ مانند ماده ۱۱۴ نیز، کلمه «معاف» ذکر می شد.

#### ۴- اثر قاعده تذخیر بر مسئولیت نیروهای مسلح لبنان

در خصوص اسباب معافیت از مجازات، قانون لبنان در مبحث اول با عنوان عذرها که شامل عذرهای محله (مواد ۲۴۹ و ۲۵۰) و عذرهای مخففه (ماده ۲۵۲) ق ج لبنان مندرج در قسمت ضامم) است و مبحث دوم به عنوان اسباب مخففه در ماده ۲۵۳ به مجازات های جایگزین در صورت وجود سبب مخفف اشاره کرده است. در این خصوص شاهد پذیرش قاعده تذخیر به عنوان یکی از علل از بین بردن مسئولیت توسط نیروهای مسلح در قانون لبنان هستیم. نظارت بر تسلیحات در لبنان با قانون سلاح و مهمات، که با یک مصوبه تقنینی مربوط



به سال ۱۹۵۹ صادر شده، نظام مند گردیده و بر این اساس هیچ شخصی مجاز به حمل و نگهداری اسلحه یا مهمات در خاک لبنان نیست، مگر اینکه دارای مجوز صادر شده توسط فرماندهی ارتش باشد.

در این خصوص دارنده سلاح بطور خاص نیروهای مسلح در صورت داشتن شرایطی امکان حمل و بکارگیری سلاح را دارند از جمله با داشتن شرط سنی که فرد باید حداقل هجده سال داشته باشد. با این حال، مجوز اسلحه شکاری برای کسانی که شانزده سال سن دارند تحت مسئولیت سرپرستان خود می تواند صادر شود.

مطابق مواد ۷۵ و ۷۹ قانون سلاح و مهمات هر یک از نیروهای مسلح یا پلیس در اجرای ماموریت خود در مکان های پر جمعیت بدون هشدار و اعلان اقدام به تیراندازی کند، به مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و جزای نقدی از هشت تا ده برابر حداقل دستمزد رسمی مجازات می شود و مجرم برای محاکمه به دادگاه نظامی ارجاع می شود. همچنین مطابق قانون شماره ۲۰۱۶/۷۱ جریمه تیراندازی در هوا اگر بدون هشدار شلیک گلوله به هوا از یک سلاح نظامی باعث آسیب شود یا فرد را برای مدت کمتر از ده روز از کار بیاندازد، مجرم به حبس از نه ماه تا سه سال و جریمه نقدی محکوم می شود. اگر تیراندازی هوایی بدون هشدار موجب فوت کسی گردد این مجازات مطابق ماده ۷۱ قانون جرم انگاری تیراندازی در هوا شامل زندان به مدت کمتر از ده سال و بیش از پانزده سال و جریمه نقدی از بیست تا بیست و پنج برابر حداقل دستمزد خواهد بود.

علاوه بر مجازات کیفری این اقدامات ممکن است به مجازات اداری نیز منجر گردد. بر اساس ماده (۱۲۹) قانون سازمان نیروهای مسلح لبنان ممکن است فرد با تصمیم شورای انضباطی (با تشریفات مقرر در ماده ۱۳۰) بصورت موقت یا قطعی اخراج و یا تنزل درجه پیدا نماید. این شکل از قانون گذاری بیانگر آن است که با وجود رعایت هشدار در عملکرد نیروهای مسلح امکان رفع مسئولیت به دلیل اعلان و هشدار قبلی برای وی وجود دارد. از این نظر قانون سلاح و مهمات لبنان ضمن حمایت از مردم در برابر رفتارهای پلیس و یا نیروهای مسلح، به حمایت از عملکرد قانونی نیروهای مسلح خود نیز پرداخته و با لحاظ قاعده تحذیر در اقدامات به فرض بروز حادثه آنان را از مسئولیت و مجازات معاف می داند. به علاوه لبنان



بر اساس برخی معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های لاهه که در خصوص حقوق حاکم بر جنگ است، در درگیری‌های مسلحانه نیز باید قاعده هشدار را در برخی موارد رعایت نمایند. از جمله مطابق ماده ۲۶ در خصوص بمباران مناطق تکلیف به اعلان قبلی بر عهده فرمانده گذارده شده تا از تلفات غیر نظامی جلوگیری به عمل آید.

### نتیجه گیری

یکی از قواعد بسیار بالارزش و کاربردی در گستره فقه و حقوق که نقش شایانی در رفع مسئولیت دارد، قاعده تحذیر است. به موجب آن، هر کس پیش از انجام کار زیان آور، هشدار و آگاهی بایسته جهت گریز از منطقه خطر را بدهد، در صورت بی توجهی هشدار گیرنده و ورود زیان به وی، هشدار دهنده معاف از مسئولیت خواهد بود. در خصوص دامنه شمول قاعده این اتفاق نظر وجود دارد که دامنه هم مسئولیت مدنی را در بر می‌گیرد و در بر گیرنده مسئولیت کیفری می‌باشد. با توجه به اینکه هشدار در واقع یکی از مسقطات ضمان و تعهد می‌باشد لذا تعهد از نظر قراردادی و غیر قراردادی را شامل می‌شود. در خصوص مبانی مسئولیت نیروهای مسلح به نظر می‌رسد نظریه تقصیر در خصوص کارکنان نیروهای مسلح صدق کرده و تقصیر نیز به تجاوز از رفتار کارکنان محتاط و آگاه یا رفتار کارکنان متعارف، تجاوز از تکلیف قابل شناسایی و مراعات، تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است، اطلاق می‌شود. همچنین هر عملی که از طریق کارکنان موجب ورود خسارت به دیگری شود، سبب ایجاد مسئولیت مدنی نخواهد بود، بلکه عمل موجب خسارت باید نامشروع باشد. برای مسئول بودن کارکنان مذکور در برابر دیگران، آن عمل باید نامشروع باشد یا باید توسط مأموران اقدام ناروایی صورت گرفته یا در هر حال، فعل رخ داده می‌بایست مسبوق به حکم قانون گذار باشد. در خصوص اعمال نیروهای مسلح ممکن است افعال زیانبار توسط آنها و یا حیوانات تحت کنترل آنها موجب خسارت یا صدمه گردد و یا اقدامات صورت گرفته توسط نیروهای مسلح در خصوص بکارگیری سلاح در حال آموزش و یا در حال ماموریت که مقنن ایرانی به آنها پرداخته است. بر این اساس قاعده تحذیر به عنوان یک قاعده پر کاربرد در قوانین و مقررات کیفری جای خود را باز کرده و ضمن قبول رفع مسئولیت از هشدار دهنده‌ای که



شرایط هشدار را رعایت کند علی‌رغم عدم تاکید مقنن حسب مورد به عنوان حکم قانون و امر آمر قانونی قلمداد می‌شود. با توضیحاتی که برای علل یا عوامل توجیه کننده جرم و علل رافع مسئولیت کیفری و معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات بیان کردیم، شکی نیست که تیراندازی با هشدار قبلی از علل رافع مسئولیت کیفری قلمداد نمی‌شود و با آن مطابقت ندارد و از بین معاذیر قانونی معاف کننده و علل توجیه کننده جرم، این مقوله بیش از هر چیز با علل یا عوامل توجیه کننده یا اسباب اباحه جرم مطابقت دارد. در قانون لبنان خصوصا در قانون سلاح و مهمات و آیین نامه نحوه شلیک هوایی به موضوع هشدار پیش از نحوه بکارگیری سلاح اشاره کرده و عدم توجه به آن را موجب مسئولیت نیروهای مسلح در بکارگیری سلاح دانسته است. اگرچه قانون ایران در این زمینه حوزه وسیع تری دارد اما همچنان ابهاماتی در خصوص قاعده تحذیر وجود دارد. پیشنهاد می‌گردد مقنن مفهوم عبارت قاعده تحذیر و نقش آن در رفع مسئولیت کیفری را در قوانین و مقررات آمره و اصلی مانند قانون مجازات اسلامی، حداقل در قالب یک ماده واحده بیاورد تا هم قاعده مذکور به تمامی حقوقدانان معرفی شود و هم محدوده و ماهیت استناد به آن و استفاده در تصمیمات قضایی و حتی اداری روشن گردد.

### تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.



منابع

- پیراسته، مرتضی (۱۳۹۶) بررسی نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تحقق دولت اسلامی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، فصلنامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۴(۴۰).
- ابراهیم زاده، مهدی (۱۳۹۸) بررسی قاعده هشدار (تحدیر) در مسئولیت مدنی، فصلنامه قانون یار، ۳(۱۱).
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۳) قاعده تحدیر، نقش هشدار در رفع مسئولیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
- رحیمی، محمد (۱۳۹۴) بررسی میزان مسئولیت مأموران انتظامی در تیراندازی‌ها، فصلنامه دانش انتظامی، ۳(۱).
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۶) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: نشر کتابچی.
- صالحی، سیدمهدی؛ علی عسگری، ابراهیم؛ جعفرزاده، سیامک، بررسی مسئولیت ناشی از، اخفای مضرات دارو و نقش قاعده تحدیر، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۱(۴۱).
- ابادری فومنشی، منصور (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوقی نوین (جلد ۱). تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ اول.
- شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی پلی. س تبریز: فروزش. چاپ دوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد؛ قواعد عمومی (جلد اول). تهران: دانشگاه تهران. چاپ هشتم.
- نوین، پرویز (۱۳۹۲). حقوق مدنی ۴؛ مسئولیت مدنی تطبیقی تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ اول.
- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۷). الزام‌ها؛ مسئولیت مدنی بدون قرارداد تهران: چاپ نشر میزان. چاپ چهارم
- ایراندخت، نظری (۱۳۹۵). حقوق مدنی ۴. تهران: انتشارات مجد. چاپ دوم.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۶). حقوق مسئولیت مدنی تهران: انتشارات نشر میزان. چاپ هفتم
- عباسلو، بختیار (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری. فصلنامه دانش انتظامی، ۲(۲۲)
- مالمیر، محمود، (۱۳۹۱)، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تهران: نشر دادگستر